

## مقدمه مترجم

روبرت چارلز زینر خاورشناس و مورخ ادیان انگلیسی در هشتم آوریل ۱۹۱۳ در یکی از شهرهای کنت در جنوب شرقی انگلستان در خانواده‌ای سویسی‌الاصیل دیده به جهان گشود. دوران آموزشهای مقدماتی او در مدرسه تون بریج و کلیسای مسیح سپری شد؛ آنگاه با ورود به آکسفورد و تحصیل در آن موفق شد تا لیسانس فارسی و اوستایی را با مرتبه عالی و فوق لیسانس زبانهای شرقی را از دانشکده ادبیات آن دانشگاه کسب کند. زینر تا ۱۹۳۹ در همان کلیسای مسیح به تدریس و تحصیل مبادرت ورزید، سپس طی جنگ جهانی دوم و پس از آن به عنوان افسر اطلاعات به خدمت دولت در آمد و دیپلماسی پس از جنگ را در سفارت بریتانیا در تهران عهده‌دار گردید. در ۱۹۵۰ سمت استادی زبان فارسی را در آکسفورد پذیرفت. در ۱۹۵۲ پس از مدتی کوتاه که مقام مشاور موقت را در سفارت بریتانیا عهده‌دار بود با عنوان استاد ادیان شرقی و اخلاق جانشین رادا کریشنان در آکسفورد شد و این سمت را تا هنگام مرگ - ۲۴ نوامبر ۱۹۷۴ - عهده‌دار بود.

شهرت او در اصل به تحقیقاتش درباره دین زرتشتی مربوط می‌شود؛ *زروان: تنگنای زرتشتی*<sup>۱</sup> خاصه کتاب او و *طلوع و غروب دین زرتشتی*<sup>۲</sup> اثر قابل فهم‌تری هستند. از دیگر آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- متون مقدس هندو (Hindu Scriptures)

- هندوئیسم (Hinduism)

(The Concise Encyclopedia of Living Faiths)

- دائرةالمعارف مختصر ادیان زنده

---

1. *Zurvan: A Zoroastrian Dilemma*

2. *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*

(Teachings of the Magi)	- تعالیم مغان
(Zen, Drugs and Mysticism)	- ذن، مواد مخدر و عرفان
(Encyclopedia of Living Faiths)	- دائرةالمعارف ادیان زنده
(Drugs, Mysticism and Make-Believe)	- مواد مخدر، عرفان و وهم
(The City Within the Heart)	- شهر اندرون قلب
(The Comparison of Religions)	- مقایسه ادیان
(Mysticism, Sacred and Profane)	- عرفان، مقدس و نامقدس

آثاری که زینر در زمینه عرفان از خود بر جای گذاشته، عرصه را برای حمله او به نظریه وحدت عرفانی تمام ادیان فراهم ساخته است. او که در ۱۹۴۶ با رجوع به ایمان مسیحی و گرایش به مذهب کاتولیک توانست به بسیاری از مباحثات خویش شکل بخشد، کوشید تا در کتاب *عرفان، مقدس و نامقدس* تمایز میان وحدت وجود و عرفان توحیدی را حفظ کند و برخلاف وحدت وجود ملهم شرقی سخن گوید.

در کتاب *عرفان هندو و اسلامی* کوشید تا این فرض اثبات نشده را که عرفان پدیده‌ای کم‌وبیش یک‌شکل در تمام سنن دینی است، رد کند. وی بر این حقیقت تأکید می‌کند که نه تنها در سنن عرفانی مختلف بلکه در یک دین واحد هم تجارب عرفانی متنوع، آشکارا اظهار شده است. زینر در نظر دارد تا در هشت سخنرانی پیشرفت اندیشه عرفانی را در دوره شکل‌گیری آن، هم در هندوئیسم و هم در اسلام ردیابی کند و هدف او از این کار آن است که تنوع عرفانی یافت‌شده در هر دو سنت دینی را بررسی نماید. او بحث خود را با متمایز کردن سه نوع عرفان اصلی آغاز کرده، سپس پیشرفت آن را در شکل‌گیری هندوئیسم دنبال می‌کند.

عرفان نوع اول «پانته ایستی» یا «همه در خدایی» است که مبنای غالب تفکرات اوپانیسادی بوده و اظهاراتی چون «کل این عالم برهنه است» یا «این همه منم» بیانگر آن است. نوع دوم تجربه وحدت یکپارچه است که در اوپانیسادهای نیز یافت می‌شود اما به طور خاص ویژگی تجربه‌رهایی (مکشاشا) است؛ هم در آموزه مونیستی شانکارا -

فیلسوف قرن هشتم - و هم در آموزه دوآلیستی یوگا-سانکهییه. نوع سوم و آخر تجربه عرفانی که زینر آن را متمایز کرده تجربه‌ای است که در آن گفتگوی عاشقانه با خدا وجود دارد و ماحصل آن اتحادی دگرگون‌ساز و متحول‌کننده است. در این نوع، برهمن سوای از خدایی است که بر برهمن برتری دارد و این قسم عرفان مذهب اخلاص (بهکتی) بهگودگیتا و شارح بزرگ آن رامانوجاست.

اما در مورد اسلام، زینر بسط تصوف را از منظر شخصیت‌های اصلی یعنی ابویزید، ابوسعید، جنید، غزالی و دیگران بررسی می‌کند. در حالی که عرفان هندی با تجربه وحدت یکپارچه آغاز گردید و به سوی تجربه خدای متعال - که تساهم یا اتحاد عاشقانه با او امکان‌پذیر است - پیش رفت، عرفان اسلامی با خدای به کلی دیگر (غیر) قرآن آغاز شد و به جانب تجربه وحدت وجودی و بزرگ کردن بی‌نهایت خود - «من اویم» - گرایید. زینر اعلام می‌کند که این گرایش نتیجه نفوذ وحدت وجود ودانته‌ای در تصوف است.

شاید نتوان با تمام برداشتهای زینر از قطعات اوپانیشادها، گیتا یا اقوال بر جای مانده از عرفای صوفی موافق بود؛ یا نتوان انواع عرفان را آن گونه که او به وضوح از هم متمایز کرد، پذیرفت، اما این نظر او که وجود موارد شباهت میان آراء صوفیه و هندوها حاکی از تأثیرپذیری آنان از اقوال و تعالیم هندوان است، مورد توافق برخی خاورشناسان دیگر چون لویی ماسینیون و ماکس هورتن نیز بوده است. در عین حال خود صوفیه این تأثیر را منتفی دانسته و قائل شده‌اند که تصوف، عصاره و باطن قرآن و احادیث نبوی و حاصل کشف و شهود اولیاء خداست که به واسطه تزکیه نفس و تصفیه درون مستحق «مواهب الهی» و «خواطر ربانی و ملکیتی» گشته‌اند. برخی صاحب‌نظران و عرفان‌پژوهان مسلمان نیز این نظر را به دیده انکار نگریسته و در رد آن سخنها گفته‌اند؛ از جمله آنکه عبارات و کلمات مشابهی که بر زبان صوفیه جاری شده ممکن است توارد و اتفاق باشد. بسیاری از این عبارات یا واژه‌ها مأخذ قرآنی دارند و افزون بر آن معنای اراده‌شده به وسیله صوفیه با آنچه در نزد هندوان متداول بوده، بسیار تفاوت دارد و گاه کاملاً خلاف یکدیگر است. به زعم این گروه پاره‌ای از اظهارنظرهای زینر در باب مسیرهای ارتباطی دو سنت عرفانی اسلامی و هندو

مستند و قابل اثبات نیست و در نهایت موارد اختلاف بیش از مشابهتها بوده و قبول ادعای زینر در خصوص تأثیرپذیری یکی از دیگری، دشوار است.

در هر حال نمی‌توان انکار کرد که زینر در این اثر خود در مورد موضوعی به‌غایت دشوار به نحوی فوق‌العاده ارزشمند و استادانه بررسی و تحقیق کرده است. اصل کتاب مشتمل بر هشت سخنرانی در خصوص عرفان هندو و دو پیوست است. پیوست نخست قطعاتی از تفسیر رامانوجا بر بهگودگیتا را در موضوعات زیر در بر می‌گیرد: (۱) طبیعت نفس، (۲) خدا و نفس، (۳) خودسازی و حبّ خداوند.

پیوست دیگر حاوی دو متن است که زینر در طول سخنرانیها از آنها مکرر نقل قول می‌کند. متن اول روایات سهلگی و عطار از معراج بایزید است که در دو ستون به موازات یکدیگر درج گردیده‌اند تا خواننده بتواند در یک نگاه، نحوه برداشت دومی را از اولی ملاحظه کند؛ ضمن آنکه روایت عطار حاوی اطلاعات بیشتری نسبت به روایت سهلگی است. متن دوم نیز بخشی از کتاب *الفنای جنید* بغدادی است که در *فصلنامه اسلامی* (۱/۷۹-۸۲) به کوشش عبدالقادر به چاپ رسیده است.

جدا از پیوست نخست که خود بخشی مستقل بوده، ترجمه آن را به مجالی دیگر می‌توان سپرد، پیوست دوم نیز خود ترجمه است و خوانندگان فارسی‌زبان می‌توانند مستقیماً به اصل فارسی یا عربی این آثار مراجعه نمایند. در عین حال ترجمه حاضر روایت سهلگی و گاه عطار را از معراج بایزید در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌دهد. در اینجا از استاد بزرگوارم، آقای دکتر جمشید آزادگان که پیوسته اینجانب را رهین لطف و محبت خویش قرار داده و از نظرات خویش مرا بهره‌مند ساخته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم. به امید آنکه ترجمه این اثر که از منابع درسی گرایش ادیان و عرفان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است، برای استفاده دانشجویان، محققان و کلیه علاقه‌مندان به این رشته ثمربخش باشد.

نوری سادات شاهنگیان

## مقدمه

این کتاب شامل هشت سخنرانی است که (به شکل تقریباً مختصر) در می ۱۹۵۹ در «مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی» در دانشگاه لندن برگزار شد؛ در آن هنگام این افتخار را داشتم که مدیر و هیئت‌رئیس مرا برای برگزاری پنجمین مجموعه سخنرانیها تحت عنوان میراث لوئیس اچ. جوردن دعوت کنند.

من موضوع عرفان هندو و اسلامی را برگزیدم؛ زیرا به نظرم رسید که بیشتر آثار حجیم عرفانی با این فرض کاملاً اثبات‌نشده آغاز می‌شوند که عرفان پدیده‌ای کم و بیش یک شکل است که در همه سنتهای بزرگ دینی ظاهر می‌شود. قضیه اصلاً این طور نیست. نه تنها در سنتهای مختلف عرفانی، بلکه در دین واحد هم تجربه‌های عرفانی گوناگون و معین اظهار می‌شود. من انواع [عرفان] هندو و اسلامی را به سه دلیل انتخاب کردم: نخست، چون آمادگی بیشتری برای پرداختن به این هر دو را دارم تا به یکی از آن دو؛ دوم، اقسام عرفان هندو به سهولت و وضوح از یکدیگر قابل تفکیک‌اند و سوم، در خصوص عرفان اسلامی به انگلیسی کمتر مطلب نوشته شده است.

من دو جریان عرفان را جداگانه مورد بحث قرار داده‌ام. چهار سخنرانی اول عمدتاً به عرفان هندو و چهارتای بعدی به اسلام اختصاص دارند. اما، در سراسر سخنرانی، هر جا که مقایسه آن دو روشنگرانه به نظر آید، از یک نوع عرفان به دیگری باز گشته‌ام؛ چنان که با کمال تعجب اغلب وضع بر همین منوال بوده است.

البته سعی نکرده‌ام که پهنه عرفان هندو و اسلامی را به طور کل پوشش دهم؛ زیرا شاید در هشت سخنرانی این امکان وجود نداشته باشد، اما کوشیده‌ام پیشرفت اندیشه عرفانی را در دوره شکل‌گیری هر دو سنت ردیابی کنم. در مورد هندوئیسم توجه را بر چیزی متمرکز کرده‌ام که به نظرم در اوپانیشادهای قدیمی مهم است:

یوگاسوتره‌ها، بهگودگیتا، و سرانجام تفسیر رامانوجا بر بهگودگیتا. در مورد اسلام هم بر چیزی تمرکز داشته‌ام که می‌توان آن را انقلاب وحدت‌گرایانه‌ای نامید که ابویزید بسطامی در قرن نهم [م] مروج آن در عرفان اسلامی بود، بر بازگشت توازن توحیدی مورد نظر جنید بغدادی، بر تأکید مجدد بر وحدت‌گرایی محض در نوشته‌های متأخر غزالی، بر رد آن به وسیله ابن طفیل به اسم اعتدال و به وسیله نجم‌الدین رازی به اسم سنت اسلامی.

این کتاب شاید مؤید نظریه تجربه‌عرفانی من در مقیاسی کوچک‌تر و زمینه‌ای محدودتر باشد که آن را در کتاب قبلی ام - عرفان، مقدس و نامقدس - بسط دادم. تفسیر توحیدی از نوع «وحدت‌گرایانه» تجربه‌عرفانی به‌ویژه مورد تأکید بوده است که در آن عارف مدعی عینیت با «واحد» می‌شود؛ زیرا دیدگاه مخالف وحدت‌گرایان محض از زمان دوسن، بیش از آنچه در خور آن بود، مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، کوشیده‌ام به تفصیل نشان دهم که وحدت‌گرایی ابویزید، که به هیچ وجه رشدی طبیعی یا حتمی در اسلام نبود، برعکس، از یک منبع هندی مستقیماً نفوذ کرده است.

اگر این کتاب موفق شده باشد که برخی از ویژگی‌های جزئی و روشن را در بررسی عرفان معرفی کند، نوشته شدن آن بیهوده نبوده است.

در خاتمه از دکتر اس. ام. استرن، استاد این دانشکده، به مناسبت زحمت زیادی که برای مقابله تمام نسخه‌های عربی من متحمل شدند، تشکر می‌کنم. البته اگر اشتباهی باقی مانده باشد کاملاً به من مربوط می‌شود. از آقای جان کات، استاد دیگر این دانشکده، نیز که با مهربانی زیاد مرا در کار همیشه ملال‌آور مقابله فهرست ارجاعات یاری دادند، تشکر می‌کنم.

کالج آل سولز

آکسفورد

آر. سی. زینر

۲۸ ژوئن ۱۹۵۹